

دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۷، شماره ۲۸، مهر و آبان ۱۳۹۸

جلوه‌های فرهنگ عامه در سفرنامه سه سال در آسیای ژوزف آرتور گوینو

فرزانه سادات علوی زاده^۱ امید وحدانی فر^۲

(دریافت: ۱۳۹۸/۳/۷ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۳)

چکیده

هدف از این مقاله، بررسی جلوه‌های فرهنگ عامه در سفرنامه سه سال در آسیا نوشته ژوزف آرتور گوینو است. نگارندگان بر مبنای روش تحلیل محتوا با بررسی گزارش گوینو از سفر خود به ایران، اشارات گوینو به فرهنگ عامه را در شش دسته پذیرایی و مهمان‌نوازی، تعارفات، آداب پوشش و انواع آن، جلوه‌های هنر ایرانی، ویژگی‌های معماری و شهرسازی ایرانی و تفکرات خرافی، بررسی و تحلیل کرده‌اند. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد، اگرچه گوینو در روایت خود از سفر به ایران توانسته است با دقت در جزئیات، شرح مفصلی را از خصایل اخلاقی و عادت‌های رفتاری ایرانیان ارائه دهد؛ اما با این حال نمی‌توان تقابل میان «من» اروپایی و «دیگری» شرقی را - که زیربنای تفکرات و توصیفات وی از وجوه مختلف زندگی و آداب و رسوم ایرانیان است - نادیده گرفت. تقابل‌هایی که در ذهنیت سیاح نسبت به دیگری و آنچه به قلمرو او تعلق دارد و دنبال آن گزارش‌ها و توصیفات وی تأثیری مستقیم دارد.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ عامه، سفرنامه، گوینو، سه سال در آسیا، دوره قاجار.

^۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد (نویسنده مسئول)

*f.alavizadeh@gmail.com

^۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد.

۱. مقدمه

سفرنامه‌ها از منظر مطالعات اجتماعی و فرهنگی اهمیت بسیاری دارند. فرهنگ ایران به‌ویژه در عصر صفوی تا قاجار برای سیاحان اروپایی جذابیتی ویژه داشت و هریک به فراخور زمینه‌های ذهنی و علاقه خود، به توصیف بخش‌هایی از آن پرداخته‌اند. بیشتر سیاحان اروپایی می‌کوشیدند تا با دقت با فرهنگ و تمدن ایران آشنا شوند و شرح مفصلی از رفتار ایرانیان ارائه دهند. گوینو - سفرنامه‌نویس فرانسوی - در دوره قاجار به همراه یک هیئت سیاسی وارد ایران شد. وی در کنار مأموریت سیاسی و حضور در دربار، ضمن سفر به شهرهای مختلف ایران، مشاهدات خود را از جنبه‌های مختلف فرهنگ ایرانی در کتابی با عنوان سه سال در آسیا گردآوری کرد. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی شیوه توصیف گوینو از فرهنگ و آداب و رسوم ایرانیان در دوره قاجار است. نگارندگان می‌کوشند تا با روش تحلیل محتوا، گزارش گوینو از جلوه‌های فرهنگ عامه ایرانی را بررسی کنند. هدف پژوهش حاضر آن است که با بررسی اظهارنظرهای گوینو از جنبه‌های مختلف فرهنگ عامه و تقسیم‌بندی آن‌ها، به درک جامعی از برداشت‌های گوینو درباره جلوه‌های مختلف فرهنگ ایرانی دست یابیم و مشخص کنیم که از میان عناصر فرهنگی ایرانیان، گوینو به کدام موارد بیشتر توجه داشته است. در کنار این موضوع، نکات ارزشمندی نیز از فرهنگ عامه ایرانی به دست آید تا سبب شناخت بیشتر مباحث فرهنگی و ادبی ایران شود.

۲. پیشینه پژوهش

برای پیشینه این تحقیق، دو دسته پژوهش را می‌توان در نظر گرفت. نخست پژوهش‌هایی که درباره گوینو و آثار وی نوشته شده است. در مقاله «خطاهای کنت دو گوینو» ترجمه اشراقی و نظام مافی (۱۳۵۲)، به یادداشت منتشر نشده گوینو درباره اوضاع اجتماعی ایران اشاره شده است. شیبانی (۱۳۵۳) در «داستان‌های آسیایی و نقد ادبی» ضمن بیان شگفتی از عدم اظهارنظر نویسندگان و منتقدان معاصر گوینو از کتاب مذکور، به معرفی و نقد شیوه نگارش نویسنده پرداخته است. ناطق (۱۳۶۴) در «ایران از نگاه گوینو»، به معرفی و نقد کتاب *ایران از نگاه گوینو* پرداخته است. کمالی در مقاله

«ایران در مکاتبات گوینو با توکویل» (۱۳۷۶)، به مکاتبات گوینو با توکویل درباره ایران، هند، اروپا و آسیا اشاره کرده است. در پژوهش «فلسفه‌های ایرانی - اسلامی به روایت کنت دو گوینو» (۱۳۸۱)، نگارش مجتهدی، این نتیجه گرفته شده است که گوینو نسبت به تمام خارجیانی که در دوره ناصرالدین‌شاه به ایران سفر کرده‌اند، مشاهدات خود را با دقت بیشتری نگاشته است. مصلح (۱۳۸۱) در «گوینو و کربن در ایران»، به تأثیرات اساسی این دو متفکر فرانسوی در حوزه فلسفه ایران و بزرگمهری (۱۳۸۳) در مقاله «گوینو و ایران» به تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های گوینو درباره ایران پرداخته‌اند. در سال‌های اخیر نیز مقالاتی درباره این نویسنده فرانسوی نگاشته شده است؛ از جمله جوادی یگانه (۱۳۹۱) در «ایرانی‌ای که بود، ایرانی‌ای که هست: درآمدی بر نگاه گوینو به ایرانیان و زمینه‌های شکل‌گیری آن»، آثار گوینو درباره ایران را معرفی کرده است. فهم کلام و همکاران در «تطبیق نگاه موریه و گوینو به ادبیات و هنر در ایران» (۱۳۹۲)، به این نتیجه رسیده‌اند که موریه و گوینو هر دو با بهره‌گیری از شرایط حاکم بر جامعه ایران، مهارت شگرفی در بازتولید انگاره‌های شرق‌شناسانه و ایران‌شناسانه در قالب داستان داشته‌اند. نمونه دیگر «بررسی تطبیقی زن‌مدارانه قصه‌های هزارویک‌شب و داستان‌های آسیایی گوینو» نوشته فارسیان و خبیر (۱۳۹۷) است که به نمودهای مشابه زن‌ستیزی در این دو اثر و تأثیرپذیری‌های گوینو از هزارویک‌شب پرداخته‌اند. در هیچ‌یک از پژوهش‌های مذکور، به بررسی دقیق عناصر فرهنگ عامه و نگاه گوینو به فرهنگ ایرانیان اشاره‌ای نشده است. تنها در فصلی از پایان‌نامه بررسی آرای کنت ژوزف آرتور دوگوینو درباره ایران با توجه به آثارش و نقش سیاسی وی به عنوان سفیر فرانسه در ایران عصر ناصرالدین شاه قاجار مزیدی (۱۳۹۲)، نگارنده به برخی از عناصر فرهنگ ایرانی اشاراتی کرده است.

دسته دوم پژوهش‌ها، شامل بررسی عناصر فرهنگ عامه در سایر سفرنامه‌هاست که با حوزه پژوهش نگارندگان مرتبط است. برای نمونه: «بازتاب هویت فرهنگی ایرانیان در سفرنامه‌های عصر صفوی و قاجاری» کریمی (۱۳۸۶)؛ «بررسی مقایسه‌ای بازتاب فرهنگ و رسوم ایرانیان عهد صفوی در سفرنامه‌های شاردن و تاورنیه» سپهری (۱۳۹۳)؛ «فرهنگ عامه ایرانی در سفرنامه ابن بطوطه» شاه‌محمدی و همکاران (۱۳۹۵)

و «تحلیلی بر مردم‌نگاری جامعه ایرانی عصر صفوی به روایت سیاحان فرنگی» موسوی دالینی و همکاران (۱۳۹۵). باید اشاره کنیم که تحقیق حاضر به‌طور متمرکز و تنها در سفرنامه سه سال در آسیا به بررسی عناصر فرهنگ عامه ایرانی با توجه به تقابل‌های شرق و غرب اختصاص یافته است.

۳. مختصری از زندگی و آثار ژوزف آرتور دو گوینو^۱

گوینو در سال ۱۸۱۶م، در یک خانواده اهل بوردو^۲ متولد شد و از همان جوانی به تاریخ و ادبیات علاقه‌مند بود. وی در سوئیس زبان‌های شرقی را آموخت. در پاریس به نویسندگی و روزنامه‌نگاری پرداخت و پس از آشنایی با هانری توکوویل^۳ به وزارت امور خارجه راه یافت که هم‌زمان با دوران رونق خاورشناسی بود^۴. گوینو از جوانی رؤیای سفر به شرق را در سر می‌پروراند و در مدت اقامت در ایران کنجکاوانه در زندگی و افکار گروه‌های مختلف مردم تأمل می‌کرد. حاصل این مشاهدات خلق داستان‌هایی درباره آسیا و ایران شد؛ ازجمله آثار او می‌توان به مطالعات علمی از قبیل *ادیان و فلسفه‌های آسیای مرکزی*^۵، *جستار در باب عدم تساوی نژادهای انسانی*^۶، *تاریخ ایرانیان*^۷ - که بخش‌هایی از این کتاب در زمان ناصرالدین‌شاه به فارسی ترجمه شد - سفرنامه‌هایی چون *سه سال در آسیا*^۸، *سفر به ارض جدید*^۹، داستان‌های کوتاه همچون *آدلاید*^{۱۰}، *قصه‌های آسیایی*^{۱۱}، *خاطرات سفر*^{۱۲}، *زندانی خوش‌شانس*^{۱۳} و رساله‌های سیاسی از قبیل آنچه در ۱۸۷۰ بر سر فرانسه آمد^{۱۴}، *جمهوری سوم فرانسه و منظور آن*^{۱۵} اشاره کرد. لرد کورزن^{۱۶} یکی از سیاستمداران مشهور انگلیسی درباره آثار گوینو می‌نویسد: «از میان تمام کتاب‌هایی که محققان اروپایی درباره آسیای مرکزی نوشته‌اند، هیچ‌یک از نظر ارزش هم‌پایه کتاب *ادیان و فلسفه‌های آسیای مرکزی* کنت دو گوینو نیست» (گوینو، بی‌تا: ب). همچنین، یکی دیگر از فرانسویانی که مقدمه‌ای بر چاپ هشتم این کتاب نوشته با اظهار نظر درباره گوینو معتقد است که وی نخستین اروپایی است که به تحقیق درباره اوضاع روحی، اخلاقی و فکری مردم آسیای مرکزی پرداخته است (همان‌جا). همچنین، گوینو آشنایی مختصری با آثار مستشرقان فرانسوی و آلمانی درباره ایران در سده هجدهم داشت و از سبک آن‌ها تقلید کرد. سبک قصه‌های

علاءالدین و چراغ جادو، علی بابا و چهل دزد بغداد و هزارویک شب در آثار گوینو بسیار مشهود است. اگرچه وی از طرح حوادث اسرارآمیز پرهیز می‌کند و بیان داستان‌های او همراه با نگاه جامعه‌شناسانه است (مجتهدی، ۱۳۸۱: ۱۱۲).

۴. سفر به ایران

گوینو دوبار در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار از سوی دولت فرانسه به سفارت ایران آمد؛ نخستین بار بین سال‌های ۱۸۵۵ – ۱۸۵۸ و بار دوم بین ۱۸۶۱ – ۱۸۶۳. در سال ۱۸۵۴، هنگامی که دولت‌های فرانسه و انگلستان در شبه‌جزیره کریمه با روسیه در جنگ بودند، حکومت فرانسه درصدد برآمد برای جلوگیری از نفوذ روس‌ها در ایران، روابط خویش را با این کشور تجدید کند و یک هیئت سیاسی به تهران روانه کرد. گوینو با سمت دبیر اول مأمور شد که همراه این هیئت به ایران بیاید. سفر دوم وی به دستور ناپلئون سوم و با سمت وزیر مختاری در اکتبر ۱۸۶۱ (۱۲۷۸ق) صورت گرفت (همان، ۲۰۵).

۵. سفرنامه سه سال در آسیا

گوینو بعد از سفر نخست، زمانی که به فرانسه بازگشت، سفرنامه سه سال در آسیا را نوشت. این کتاب در دو بخش: ۱. وقایع سفر از فرانسه تا بندر بوشهر و سپس از بوشهر تا تهران و ۲. مشاهدات و اظهارنظرهای نویسنده درباره تاریخ، سیاست، اقتصاد، مذهب و ویژگی‌های اخلاقی و آداب و رسوم ایرانیان تنظیم شده است. گوینو (۱۳۵۳: ۱۵) - که پیش از سفر در زمینه زبان‌های شرقی بسیار تحقیق کرده بود - پس از اقامت در ایران، به تکمیل زبان فارسی پرداخت تا بتواند درک بهتری از آداب و رسوم و ویژگی‌های اخلاقی آن‌ها بیابد. وی در نامه‌ای که به آلکسی دو توکویل^{۱۷} جامعه‌شناس و نویسنده معروف فرانسوی نوشت، به این نکته اشاره کرد که در حال یادگیری زبان فارسی است و در تکمیل آن بسیار تلاش می‌کند. سه سال در آسیا ترکیبی است از مشاهدات گوینو از دنیای پیرامون و نیز برداشت‌ها و اظهارنظرهای شخصی‌اش. هرچند به گفته خود کوشیده است تا آنچه را که می‌نویسد، صبغه حقیقت داشته باشد و بتواند

باورهای نادرست قبل را - که درباره ایرانیان در اروپا معمول شده بود - اصلاح کند: «من خیلی به صحبت کردن با مردم بومی علاقه‌مندم. من درباره آن‌ها آن نظریاتی را که معمول اروپاست ندارم. این‌ها همه از فرشته‌ها و مردمان شرافتمند نیستند؛ ولی آن غول‌هایی که به ما معرفی کرده‌اند نیز نیستند» (همان‌جا). با این حال، وی خطاهای بسیاری در گزارش‌های خود به‌ویژه درباره فرقه‌های مذهبی در ایران و تفاوت‌های نژادی دارد که از چشم منتقدان پنهان نمانده است.^{۱۸}

۶. تقابل من و دیگری در گزارش گوینو

گوینو بیان می‌کند که علاقه‌مند به آشنایی با فرهنگ بومی ایران است و می‌کوشد تا تصویری صحیح خلاف باورهای نادرست قبلی درباره ایرانیان ارائه دهد. اگرچه با وجود توصیفات دقیق وی، نمی‌توان تقابل میان «من» اروپایی و «دیگری» شرقی را - که زیربنای تفکرات و توصیفات وی از وجوه مختلف زندگی و آداب و رسوم ایرانیان است - نادیده گرفت؛ به‌ویژه آنکه اظهارنظرهای گوینو در رساله جستار، در باب عدم تساوی نژادهای/انسانی و برتر دانستن نژاد ژرمن و فرانک‌ها بر سایر نژادها او را متهم به نژادپرستی کرد و وی را یکی از مسببین جنگ جهانی اول و دوم دانستند. از آنجا که فولکلور به‌عنوان آینه یک فرهنگ به‌شمار می‌آید، مطالعه درباره فرهنگ قومی در عین مزایای آن می‌تواند نگرانی‌های خاصی را به‌دنبال داشته باشد؛ زیرا ما فاصله بیشتری به فرهنگ (دیگری) داریم و از بیرون به آن می‌نگریم. نژادپرستی^{۱۹} بزرگ‌ترین مانع در راه فهم بهتر فرهنگ ویتنام، آفریقا، امریکا یا هر فرهنگ دیگری است؛ همان مفهومی که سبب می‌شود تصور کنیم که روش (ما)، روش طبیعی و درست و روش (دیگری) عجیب، غیرطبیعی و یا حتی غلط است (Bronner, 2007: 55).

حضور در قلمرو «دیگری» و سازش‌پذیری همراه با الزاماتی است که یک جهانگرد ناگزیر باید به آن‌ها تن دهد. یادداشت‌های موریسون^{۲۰} - جهانگردی که به سرتاسر اروپا سفر کرد - مثالی در این باره است: «یک جهانگرد گاهی باید پول خود را مخفی کند، عادت خود را تغییر دهد، نام کشورش را بر زبان نیاورد و مذهبش را پنهان کند» (Bassnet, 1993: 98). سازش‌پذیری یا همراه با تمایل جهانگرد به سازگاری و یکسان-

انگاری «خود» با هویت «دیگری» است و یا به اجبار صورت می‌گیرد که در این صورت در روایت‌های آن‌ها به‌شکلی انزجارآمیز و توأم با نفرت و دل‌آزردگی نمود می‌یابد (علوی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۵۴). گوینو در یکی از نامه‌های خود، شالوده همه باورهای ایرانیان را سحر و جادو می‌داند. او معتقد است در ایران همه دزدی می‌کنند. حاکم شهر از کارگزاران و زیردستانش می‌دزدد و آن‌ها هم به نوبه خود از اطرافیان و افراد مادون خویش می‌دزدند (کمالی، ۱۳۷۶: ۵۰۶). گوینو می‌نویسد: ضعیف‌ترین قسمت، تربیت اخلاقی این مردم است: دروغ گفتن دائم، تقلب کردن، ارتکاب محرمات جنسی با وجود قانون شرع و تن دادن به افراطی‌ترین انحطاط‌های اخلاقی (همان، ۵۰۸). اینجاست که وجود تفاوت‌های ماهوی میان غرب و شرق به‌عنوان یک اصل انکارناپذیر در ذهنیت گوینو سبب می‌شود که وی اساساً تفاوتی میان ایران و سایر کشورهای آسیایی به لحاظ فرهنگی قائل نباشد. او با کاربرد کلمه آسیایی، اروپا را در مقابل آسیا قرار می‌دهد: «این‌ها خصایل اخلاقی است که ایرانیان همانند سایر مردم آسیایی بدان‌ها روی آورده‌اند» (همان‌جا).

گوینو با دقت ویژگی‌ها و زوایای زندگی ایرانیان را با اروپایی‌ها مقایسه و به تفاوت‌های میان آن‌ها اشاره می‌کند، آسیایی‌ها در هر کاری بی‌اندازه سمج‌تر از ما هستند و حتی اگر لازم شود قرن‌ها منتظر می‌مانند و عقایدشان پس از این مدت طولانی تغییر نمی‌کند (ص ۹۱). قیاس با «دیگری»، یک راه سودمند برای درک هویت «خود» است. گوینو جنبه‌های مختلف زندگی ایرانیان را با فرهنگ اروپایی مقایسه می‌کند. او با مقایسه دریانوردی در خلیج فارس با دریای سرخ می‌نویسد: «دریانوردی در خلیج فارس به‌کلی با دریای سرخ متفاوت است. عرض خلیج وسیع‌تر است و کشتی‌ها در یک آبراه باریک محصور نیستند» (ص ۹۱ - ۹۲). همچنین، تأسیسات ایرانی را در مقابل تأسیسات انگلیسی بدمنظر و ناخوشایند می‌داند: «هر قدر شهر ایرانی بدمنظر و ناخوشایند بود، از تأسیسات انگلیسی خوشمان آمد و به‌نظرمان تمیز و مناسب جلوه کرد» (ص ۹۸). ذهن جست‌وجوگر گوینو به‌طور ناخودآگاه در برخورد با هر پدیده، آن را با یک نمونه اروپایی مقایسه می‌کند و نقاط برتری یا ضعف هر یک را برمی‌شمارد. اصفهان را با ورسای مقایسه می‌کند: «به عقیده من اصفهان از بسیاری

جهات، ولی در ابعادی بسیار بزرگ‌تر قابل مقایسه با ورسای می‌باشد» (ص ۱۷۱) و با مشاهده درهای مدرسه مادر شاه، آن‌ها را با سردرهای کشورش مقایسه می‌کند و ارتفاع آن‌ها را به اندازه بزرگ‌ترین سردرهای کشورش می‌داند (ص ۱۵۸). حتی هنر آتش‌بازی ایرانیان در مقایسه با اروپاییان برتر معرفی می‌شود: در اروپا آتش‌بازی نوعی نمایش مثل تئاتر است که همه را محظوظ می‌کند؛ ولی هرگز بین حضار هیجان شدید به وجود نمی‌آورد. در ایران که آتش‌بازی بسیار فراتر از کشور ما است، مانند مراسم گاو‌بازی در اسپانیا مردم را به هیجان می‌آورد (ص ۱۹۰).

کاربرد واژگانی چون آسیایی‌ها، ایرانیان، دریایی‌گی، قراول، قلیانچی، بختیاری‌ها و واژگانی از آن نوع که نانکت (۱۳۹۰: ۱۰۸) آن‌ها را «کلمات وهم‌گون»^{۲۱} می‌داند، در سفرنامه گوینو به حوزه زبانی و معرفتی «دیگری» تعلق دارند و هویت «دیگر» بودن را تثبیت می‌کنند. درواقع، در اینجا استفاده از زبان صرفاً برای توصیف وقایع نیست؛ بلکه گاه برای تجویز تفکر یا ایده و یا خلق واقعیتی است که حاصل ذهنیت نویسنده و پیش‌زمینه‌های فکری - فرهنگی و تقابل‌های ذهنی او نیز هست (علوی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

در برخورد با گزارش‌های گوینو از فرهنگ ایرانی، اختلافات و تقابل‌هایی را که ناشی از تفاوت‌های ماهوی بین شرق و غرب است، نباید نادیده گرفت؛ تقابل‌هایی که در ذهنیت سیاح نسبت به دیگری و آنچه به قلمرو او تعلق دارد و به دنبال آن گزارش‌ها و توصیفات وی تأثیری مستقیم دارد. مقاومتی که گوینو در یکی شدن با فرهنگ شرق دارد نیز به دنبال چنین تقابلی است. به گزارش او سبک زندگی‌اش در ایران (بوشهر) همچنان به شیوه اروپایی بوده است: «تا زمانی که در بوشهر اقامت داشتیم هنوز زندگی ما به سبک اروپایی بود» (۹۸).

۷. جلوه‌های فرهنگ عامه در روایت گوینو

فولکلور^{۲۲} از مجموعه کاربردها، باورها و فعالیت‌های فرهنگی سنتی یک جامعه شکل می‌گیرد (مهاجر و نبوی، ۱۳۸۸: ۲۳). فولکلور یا فرهنگ عامه یا فرهنگ قومی شامل ضرب‌المثل‌ها، اشعار و قصه‌های غیرمکتوب و آیین‌های اجتماعی است که از نسلی به

نسل دیگر منتقل شده است. فرهنگ عامه در جوامعی گسترش پیدا کرد که افراد معدودی قادر به خواندن و نوشتن بودند و مواردی چون افسانه‌ها، خرافات، آوازه‌ها، حکایات، مثل‌ها، چیستان، اشعار کودکان و مراسم سنتی چون تولد، ازدواج، عزاداری و نیز رقص‌های سنتی را شامل می‌شود (سبزیان و کزازی، ۱۳۸۸: ۲۲۵). به اعتقاد گری (۱۳۸۲: ۱۳۵)، فرهنگ عامه، آداب و اقوال سنتی است که در جوامع دهان‌به‌دهان نقل می‌شود و مکتوب نیست. به باور برونر (۲۰۰۷: ۵۵) اسطوره‌ها، داستان‌ها و اشعار عامیانه، افسانه‌ها و بسیاری اشکال دیگر، منابع اصلی برای درک بهتر جهان و شرایط بشر است؛ زیرا فولکلور نوعی قوم‌شناسی مبتنی بر خود زندگی‌نامه‌نگاری است؛ به این معنا که شرح حال بشر از زبان خود اوست و در مقابل سایر شرح حال‌هایی است که از سوی کاربران اجتماعی، جامعه‌شناسان، دانشمندان علوم سیاسی و مردم‌شناسان نگاشته می‌شود. در تعریفی دیگر، ادبیات شفاهی اطلاعات ارزشمندی را برای شناخت خصوصیات قومی و فرهنگی به دست می‌دهد. شکل معماری محل زندگی مردم می‌تواند الهام‌بخش فرهنگ عامه باشد؛ زیرا فضای زندگی به‌عنوان بخشی از میراث بومی، منعکس‌کننده فرهنگ جوامع و تنوع فرهنگ جهانی است (Icomos, 1999). کالبد، بافت ساختارها، فضاها و شیوه‌های استفاده از آن‌ها به‌عنوان حافظه تاریخی اقوام در زمره میراث بومی به‌شمار می‌آید (Nas, 2002: 139). از همین رو، جلوه‌های مختلف معماری ایرانی و اشکال و ویژگی‌های آن‌ها در پژوهش حاضر به‌عنوان عناصر فرهنگ عامه در نظر گرفته شده است.

از تاریخ مطالعات فولکلور درمی‌یابیم که فولکلورشناسان در کشورهای مختلف، بیشتر به دنبال حفظ میراث ملی خود بوده‌اند. فرهنگ مردم ایران به‌ویژه در عصر صفوی تا قاجار برای سیاحان جذابیتی ویژه داشت و هر یک به فراخور زمینه‌های ذهنی و علاقه خود به توصیف بخش‌هایی از آن پرداخته‌اند. در اینجا به برخی از جلوه‌های فرهنگ عامه ایران در سفرنامه گوینو اشاره می‌کنیم که همراه با اظهارنظرهای وی درباره چگونگی آن‌هاست؛ اظهارنظرهایی که از رهگذر تقابل‌های میان دو فرهنگ شرق و غرب قابل درک و بررسی است:

۷-۱. آداب پذیرایی و مهمان‌نوازی

مهمان‌نوازی و پذیرایی از مهمان یکی از خصایل ارزشمند فرهنگ اسلامی و نیز فرهنگ ایرانی است. ایرانیان همواره می‌کوشیدند تا به بهترین شیوه مهمان خود را تکریم کنند، تا جایی که حتی بهترین ظروف خود را در پذیرایی از مهمان استفاده می‌کردند. اشاره به خصلت مهمان‌نوازی ایرانیان یکی از موضوعات پرتأکید در گزارش گوینو است. وی با دقت بسیار در جزئیات به شرح این خصلت پرداخته است. به گزارش گوینو وجود شیرینی و تنقلات از لوازم پذیرایی در فرهنگ ایرانی است: «ما وارد چادر شدیم و در صندلی‌هایی که در دو سوی یک میز بسیار طویل - که روی آن قاب‌های بزرگ چینی و ظروف کریستال مملو از انواع شیرینی‌ها و تنقلات چیده بودند - نشستیم» (ص ۹۳). «ما را در برابر میز بزرگی مملو از گل و شیرینی و تنقلات نشاندهند» (ص ۱۹۶). همچنین، به آوردن قلیان و چای به‌عنوان یکی از آداب پذیرایی ایرانیان به کرات اشاره کرده است.^{۲۳} در کاخ شاه در تهران هم پذیرایی اولیه، قلیان و چای بوده است (ص ۱۹۸). همچنین، وی مراحل پذیرایی را بررسی می‌کند: به محض اینکه در جاهایمان قرار گرفتیم، برایمان قلیان آوردند که رسم بر این است که جز چند پُک به آن نمی‌زنند. پس از قلیان چای آوردند. سپس قدری گفت‌وگو کردند و باز قلیان و سپس قهوه و مجدداً قلیان و به‌دنبال آن شربت و بالأخره برای آخرین بار قلیان آوردند (ص ۹۴). یکی دیگر از آداب مهمان‌نوازی، دادن هدیه به مهمان است. گوینو به بخشیدن آهو به‌عنوان هدیه اشاره کرده است: «ما سه‌چهار بچه آهوی پیشکشی را در بوشهر جا گذاشته بودیم. این هدیه‌ای است که در ایران بسیار رواج دارد» (ص ۱۰۸). نمونه دیگر هدایای اهالی کازرون است: «اهالی شهر در سراسر روز با ارسال هدایای گوناگون از قبیل گل و میوه، مهمان‌نوازی خود را نشان دادند» (ص ۱۱۹).

وظیفه آخر میزبان، بدرقه مهمان با احترام و گشاده‌رویی است. گوینو به این آداب ایرانی‌ها هنگام خروج وزیر مختار اشاره می‌کند: حضار از چادر خارج شدند. جمعیتی به عقب رفت. درواقع، فراشان حاکم آنان را به عقب راندند و اسب‌هایی را که به‌طرز باشکوهی زین و یراق کرده بودند، آوردند ... پیشاپیش هر یک از سواران یک مهتر یا جلودار می‌رفت که جل اسب را که با رنگ‌های تندی قلاب‌دوزی شده بود، روی

شانه‌هایش افکنده بود (ص ۹۴). گوینو خود را قدردان مهمان‌نوازی آسیایی‌ها می‌داند: اعتراف می‌کنم که همیشه سپاس‌گزاری عمیقی نسبت به طرز مهمان‌نوازی در آسیا داشته‌ام؛ زیرا کار خوشایندی نیست که کسی خانه‌اش را در اختیار مهمانان و کسانی که مثل یک سپاه با بار و بنه‌اش سفر می‌کنند، بگذارد (ص ۹۴ - ۹۵). در جای دیگر نیز رضایت خود را از نحوه استقبال ایرانی‌ها بیان می‌کند: «وقتی قدم به خشکی نهادیم از ترتیباتی که برای استقبال از هیئت سفارت داده بودند، خوشوقت شدیم» (ص ۹۳).

۷ - ۲. تعارفات

به اعتقاد گوینو، تعارفات به‌عنوان یکی از عادات رفتاری ایرانیان شناخته می‌شود که در ابعاد مختلف زندگی، چه در سطح تعاملات روزمره و چه در زمینه‌های گسترده‌تر فرهنگی و اقتصادی نمود می‌یابد. همچنین، این ویژگی می‌تواند نشان‌دهنده نفاق و دورویی ایرانیان باشد؛ موضوعی که درک آن برای «دیگری» دشوار و گاهی غیرممکن است و زمینه سوءبرداشت را در ارتباط با ایرانیان فراهم می‌کند. به عقیده او، این خصیصه چنان برای ایرانیان اهمیت دارد که ندانستن آن گناهی نابخشودنی است: تعارف برای ایرانیان بسیار مهم است. هرکس از کشاورز تا شاهزاده پیچیده‌ترین شیوه‌های تعارف را می‌داند. دزدی، مستی، دروغ‌گویی و بی‌حیایی بخشودنی است؛ اما ندانستن تعارفات نابخشودنی است و کمتر کسی پیدا می‌شود که تعارفات را نداند (کمالی، ۱۳۷۶: ۵۰۹). گوینو تعارفات معمول ایرانیان را هنگام ورود مهمان چنین توصیف می‌کند: در صورتی که مرتبه شما بیش از صاحب‌خانه باشد، وی شخصاً مقابل در، به استقبال شما می‌آید و با آنکه منتظر آمدن شما بوده، انگار تازه از کره مریخ آمده‌اید، با حیرتی هرچه تمام‌تر می‌گوید: خیلی عجب است چگونه حضرت اشرف بر سر لطف و مرحمت آمده است و نوکر حقیر خود را سرافراز نمودید. این احوال‌پرسی دوسه دقیقه طول می‌کشد. پس از خاتمه آن، دوباره باید به صاحب‌خانه توجه کنید و مثل اینکه مدت یک سال است که او را ندیده‌اید، بگویید که انشاءالله «دماغ شما چاق است؟»، می‌گوید: از مرحمت شما خوب است. سپس در ادامه احوال‌پرسی‌ها صاحب‌خانه می‌گوید: امروز خلاف شب گذشته هوا بسیار خوب است، این‌طور نیست،

مگر به برکت تشریف‌فرمایی شما. چند نفر از بزرگان مجلس این گفته را با صدای بلند تصدیق می‌کنند و احیاناً یکی از حاضران می‌گوید کسی که وجودش شریف و مقدس است، هر جا برود، آنجا را رشک بهشت برین خواهد کرد (گوبینو، ۱۳۸۳: ۱۳-۱۵). در جای دیگر به تعارفات حاکم بوشهر اشاره و آن را تأیید می‌کند: «اگر استعداد دریانوردی خان‌حاکم ضعیف بود، درعوض قدرت بیان فوق‌العاده‌ای داشت و در اظهار تعارفات به وزیر مختار وظیفه‌اش را به نحو احسن انجام داد» (۹۴). یکی دیگر از موارد کاربرد تعارف، در تعامل درباریان ایرانی با مقامات اروپایی است: «اما مذاکرات از خیرمقدم، تعارفات بی‌پایان، پرسش‌ها درباره سفرمان، شوخی و خنده زیاد تشکیل می‌شد. همه چیز با آنچه درباره وقار شرقی‌ها در اروپا شنیده بودیم به کلی متفاوت بود» (ص ۱۹۵).

۷-۳. آداب پوشش و انواع آن

گوبینو علاوه بر توجه به پوشش عامه، به نوع پوشش در موقعیت‌های اجتماعی مختلف نیز توجه کرده است. بنا به گفته گوبینو در سفرنامه، وی به جهت علاقه به تاریخ و فرهنگ ایران، در پاریس همواره در جشن‌ها از لباس‌های ایرانی استفاده می‌کرد (جوانبخت، ۱۳۷۹: ۳۵). او در توصیفات خود از طبقات مختلف اجتماعی ایران به نحوه و نوع پوشش آن‌ها به‌ویژه جنس پارچه لباس‌ها بسیار توجه داشته: «جوانی بیست‌وسه یا بیست‌وچهار ساله خوش‌قیافه به نام میرزا محمدخان ... با ظرافت زیاد لباس پوشیده بود که بخش عمده آن را حریرهای کشمیری تشکیل می‌داد» (ص ۹۴). وی پوشش بازرگانان بوشهر را به گدایان تشبیه کرده: «این امر مانع از این نمی‌شود که این میلیونرها در ویرانه‌هایی که نام بردم زیست کنند و در کوچه و بازار با لباس‌هایی شبیه به گدایان ظاهر شوند» (ص ۹۷). گوبینو به نوع و رنگ پوشش زنان در مکان‌های عمومی اشاره می‌کند: همه خودشان را در چادرهای وال، چیت و به‌ندرت ابریشمی به‌رنگ آبی تیره پیچیده‌اند که سرتاپایشان را می‌پوشاند. صورتشان را با قطعه‌ای پارچه سفید که زیر چادر پشت سرشان بسته می‌شود و از جلو تا روی زمین می‌افتد محکم پوشیده‌اند. قسمت جلوی این پارچه به‌طور مشبک قلاب‌دوزی شده تا بتوانند از

ماورای این روینده، بیرون را ببینند و نفس بکشند؛ زیرا این حجاب - که چادر نامیده می‌شود - برای پوشاندن سر تا قوزک پای زنان ساخته شده است. یک شلوار گشاد که وظیفه دامن را انجام می‌دهد می‌پوشند آن هم فقط در موقع خارج شدن از خانه (ص ۳۰۸ - ۳۰۹). از دیگر لوازم پوشش زنان سرپایی است: این سرپایی‌ها هر قدر هم کوچک باشد از چرم سخت ساخته شده که کف پاشنه‌اش مجهز به نعل کوچکی به قطر یک انگشت است و اسلحه‌ای خطرناک به‌شمار می‌آید (ص ۳۱۴). پوشش زنان دالکی را مشابه اهالی اوورنی معرفی کرده: «زنان که اصلاً حجاب نداشتند و این امر نزد مردم روستایی بسیار عادی است، قدری شبیه به اهالی اوورنی^{۲۴} خودمان بودند و در ساختمان بدنیشان قدرت بیشتری از زیبایی وجود داشت» (ص ۱۱۳). عرقچین^{۲۵} نیز یکی دیگر از پوشش‌های ایرانی است: «موهای بلندی داشتند که روی شانه‌هایشان ریخته بود و شب‌کلاه‌های زرین کوچکی بر سرشان نهاده بودند که عرقچین نامیده می‌شود و در همه نقاشی‌ها بر سر زنان ایرانی می‌توان دید» (ص ۱۶۹).

پیش‌تر اشاره کردیم که ورود به قلمرو «دیگری» گاه مستلزم پنهان کردن اعتقادات ایدئولوژیک و گرایش‌های فرهنگی جهانگرد و رفتار مطابق با فرهنگ «دیگری» است که یکی از این موارد توجه گوینو به الزام مقامات سیاسی خارجی به رعایت پوشش خاص در دربار شاهان است. به گزارش وی مقامات سیاسی در هنگام حضور در دربار بایستی از یک نوع پوشش خاص مثلاً پوشیدن جوراب‌های قرمز استفاده می‌کردند: «پیش از انعقاد عهدنامه ترکمانچای، نمایندگان سیاسی خارجی می‌باید چنین جوراب‌هایی را که برای شرفیابی به حضور شاه است، بپوشند» (ص ۱۹۸).

۷ - ۴. جلوه‌های هنر

توجه به حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی ایران از سوی سیاحان بسیار متفاوت است. گوینو به موسیقی، نمایش و تئاتر ایرانی توجه ویژه‌ای داشته است. از توصیفات وی درباره موسیقی و اشاره به اصطلاحات مرتبط با آن، در می‌یابیم که آشنایی نسبی‌ای با سبک‌های موسیقی و انواع رقص ایرانی دارد: یکی از رقص‌هایی که اجرا کردند هراتی نام داشت و با آهنگی به همین نام همراهی می‌شد که بسیار لذتبخش بود. نوازندگان در

گوشه‌ای روی زمین نشسته بودند. یکی از آنان نوعی ماندولین می‌نواخت که تار نامیده می‌شود. دیگری تنبک و سومی سنتور می‌زد (ص ۱۶۹ - ۱۷۰). اگرچه او رقص آسیایی‌ها را عموماً جذاب می‌داند: «آسیایی‌ها عموماً در حرکات بدن بانمک و ظریف هستند. این امر در مورد ایرانیان و به‌خصوص کودکان صدق می‌کند» (ص ۱۶۹)؛ اما گاهی از رقاصی ایرانیان انتقاد هم کرده: رقاصان بدون شک مهارت زیادی نداشتند؛ ولی چون معیاری برای مقایسه نداشتیم، نمایششان به‌نظرمان جالب آمد (ص ۱۶۹). اظهارنظر گوبینو درباره موسیقی نظامی ایرانی درخور تأمل است. وی به استفاده ایرانیان از ابزارهای موسیقایی اروپایی برای اجرای موسیقی ایرانی اشاره کرده و آن را تقلیدی ناشیانه دانسته است. نوازندگان موزیک نظامی قدری بی‌تجربه با آلات موسیقی اروپائی، شروع به نواختن آهنگ‌هایی کردند که مسلماً ایرانی نبودند (ص ۹۳). او به وجود نوازندگان در ایلات چادر نشین هم اشاره می‌کند: در ایلات نوازندگانی وجود دارند که از طبقه نجیب‌زاده‌اند و این کار را در محیط خودشان انجام می‌دهند و معمولاً شغلشان موروثی است. آنان مورد احترام زیاد هستند و آهنگ‌های فارسی و ترکی را می‌خوانند و می‌نوازند. از میان آهنگ‌های مزبور دوتای آن‌ها ارزش زیادی دارد؛ کرم و کوراغلو که مورد علاقه مردم هستند (ص ۳۲۷). او مقایسه‌ای میان موسیقی فارسی و موسیقی ترکی می‌کند. به‌نظر وی موسیقی ترکی بسیار قوی‌تر و هیجان‌انگیزتر از موسیقی فارسی است؛ اما موسیقی فارسی علمی‌تر و از نظر ترکیب آهنگ‌ها، مرغوب‌تر است؛ ولی هر دوی آن‌ها از اصول مشترکی پیروی می‌کنند. ترانه‌سرایی نیز مورد توجه ایرانیان است؛ ولی ترانه‌ها باید جدید باشند. بسیاری از ترانه‌ها طنزآمیز و بیشتر سیاسی است (همان‌جا).

گوبینو علاوه بر موسیقی، به هنرهای نمایشی نیز توجه کرده که یک نمونه آن نمایش کمدی با لهجه اصفهانی است: «دسته‌ای بازیگر، یک صحنه از زندگی مردم را با لهجه اصفهانی بازی می‌کردند» (ص ۱۷۰). نمونه دیگر، اجرای نمایش پانتومیم با عنوان «روز یک زن زیبا» است؛ ابتدا زن جوان با شوهرش دعوا می‌کند، سپس خوش‌خلق می‌شود، بعد قهر می‌کند و آنگاه لباس می‌پوشد و برای دیدار یکی از دوستانش به خانه او می‌رود. می‌توان حدس زد که چنین موضوعی باید چه‌قدر طنزآلود را نشان بدهد

(ص ۱۷۰). اگرچه به گزارش گوینو هر لذتی هم که این‌گونه نمایش‌ها داشته باشد باز هم در مقایسه با نمایش‌های مذهبی هیچ است که مشهورترین آن‌ها تعزیه است که طولانی بودنش مسئله‌ای نیست؛ زیرا ایرانیان هرگز از شنیدن مصیبت‌های مقدس محبوبشان خسته نمی‌شوند. او حتی اروپاییانی را هم دیده است که از دیدن این نمایش‌ها اندوهگین شده بودند. او تعزیه را نوعی تئاتر به سبک یونان باستان می‌داند (ص ۳۲۸ - ۳۲۹). نقالی نیز از آن دسته از هنرهایی است که ایرانیان به آن علاقه دارند. نقالی صرفاً شامل شاهنامه و داستان‌های حماسی نیست؛ بلکه نقالان دوره‌گرد داستان‌های هزارویک‌شب و حکایت‌هایی که کنایه‌هایی به رباخواران و زنان داشته باشد، با شعر و گاهی با آواز برای مردم می‌خواندند (ص ۳۲۸).

از نظر گوینو نقاشی در ایران در حال انحطاط است. ایرانیان این مطلب را احساس می‌کنند و به همین جهت در جست‌وجوی کارهای قدیمی هستند و بهای گزافی برای آن‌ها می‌پردازند. همچنین، از مدت‌ها پیش گراورها^{۲۶} و تصاویر با سکه‌ای^{۲۷} اروپایی را در ایران کپی می‌کنند. این تصاویر به خصوص تصویر صحنه‌های مذهبی بر قلیان‌ها، قلمدان‌ها و آینه‌ها دیده می‌شود. در مقابل، ایرانیان علاقه خاصی به طراحی دارند. حاضرند معادل پانصد فرانک و حتی بیشتر برای یک سطر که به دست استادان قدیمی از قبیل امیری یا درویش نوشته شده باشد، بپردازند؛ اما امیری از همه مشهورتر است (ص ۳۲۷). هنر دیگر ایرانیان آتش‌بازی است که گوینو آن را در مقایسه با آتش‌بازی اروپاییان برتر معرفی کرده است. در اروپا آتش‌بازی نمایشی تئاترگونه است؛ ولی هرگز بین حضار هیجان شدید به وجود نمی‌آورد. در ایران که آتش‌بازی بسیار فراتر از کشور ما رفته، مانند گاو‌بازی در اسپانیا مردم را به هیجان می‌آورد (ص ۱۹۰). به نظر او ایرانیان آتش‌بازی می‌کنند: «ثروتمندان با تفصیل و فقرا با سادگی آن را برگزار می‌کنند؛ ولی همه نسبت به این کار علاقه دارند» (ص ۱۹۱).

۷-۵. معماری و شهرسازی

گوینو به موضوعات مربوط به حوزه شهر و شهرسازی و به طور کلی معماری بناهای ایرانی علاقه‌مند بوده است. گزارش‌های او در این حوزه بر پایه مشاهداتش از ساختار

بناها و معماری شهری و روستایی در ضمن سفر به شهرهای ایران جمع‌آوری شده است. اطلاعات حاصل از این گزارش‌ها را می‌توان در چهار دسته تقسیم‌بندی کرد:

۷-۵-۱. معماری شهری

خانه‌های بوشهر به «کلبه» و «لانه» مانند شده که فاقد هویت سبکی است: «بیشتر خانه‌ها محقر و مفلوک هستند. در هر قدم با کلبه‌ها و لانه‌هایی که از برگ درختان نخل تعبیه شده روبه‌رو می‌شویم که به هیچ سبک معماری تعلق ندارند» (ص ۹۶). معماری خانه‌های برازجان خشتی و گلی توصیف شده است: «انبوهی خانه‌های خشت و گلی است که نسبتاً خوب بنا شده‌اند و بیش از یک طبقه ندارند؛ ولی گاهی نیز اتاقی در طبقه فوقانی دارند که بالاخانه نامیده می‌شود» (ص ۱۰۹). معماری قم به سبک روستایی و معماری شهر یزدخواست به کندوی عسل تشبیه شده است: شهری است که به کندوی زنبور عسل شباهت دارد. هر چهار طرف آن دیوارهایی دارد که تا ارتفاع نسبتاً زیاد چیزی جز صخره نیست. این خانه‌ها را با سکوهایی با هم مربوط ساخته‌اند. این‌ها روی هم‌دیگر انباشته و مانند کلیسای بزرگی زیر آسمان سر برافراشته و مثل یک شبه‌جزیره پیش‌آمدگی دارد. تمام شهر یکپارچه از صخره و خاک است و یک راه ورودی بیشتر ندارد (ص ۱۴۸).

۷-۵-۲. معماری روستایی

معماری روستایی ایران با دو چهره کاملاً متفاوت توصیف شده است. برخی از روستاها مثل دالکی مجهزند و معماری نسبتاً زیبایی دارند: دالکی دهی زیبا و نسبتاً ثروتمند است. خانه‌هایی که بر پا هستند وضع خوبی دارند. بسیاری از آن‌ها از سنگ ساخته شده‌اند که در ایران بسیار کمیاب است. خانه‌های دالکی اتاق‌های بسیار بزرگی دارند که یک بخاری دیواری به شکل تنور گرد در وسط آن قرار می‌گیرد و دود از سوراخی که در سقف تعبیه شده خارج می‌شود (۱۱۲ - ۱۱۳). خانه‌های دشت ارژن (ارجون) مانند قلعه‌های نظامی مجهزند و برج و بارو دارند (ص ۱۲۴). شورجه روستایی تماشایی، ولی ویرانه است با نوعی حصار کوتاه خشت و گلی در وضع بسیار بد، ولی ظاهری

دلپذیر (ص ۱۴۷). از سوی دیگر، توصیف وی از وضعیت نامناسب برخی از روستاهای ایران و مانند کردن آن‌ها به بعضی از روستاهای اروپا قابل تأمل است. در قوام‌آباد چادرهایمان را در کنار یک گندمزار و در وسط مرغزاری زیبا در برابر یک ده فقیر برپا کرده بودند. درست بگویم، کلبه‌ها به قدری مفلوک بودند که انسان خودش را در جوار یکی از دهات ایرلند یا ایالت مَن^{۲۸} فرانسه تصور می‌کرد (ص ۱۴۳).

۷-۵-۳. معماری آثار باستانی

بنای «عالی‌قاپو» از منظر گوینو به یک کلاه فرنگی با ابعاد بزرگ شباهت دارد که می‌تواند اصناف مختلف مردم را در خود جای دهد^{۲۹}. معماری چهل‌ستون را تقلیدی هنرمندانه از سبک‌های معماری غیرایرانی می‌داند. در اینجا با مشاهده این تنوع زیاد، بیش از هر جای دیگر می‌توان فهمید که ایرانیان در هیچ زمانی در زمینه هنری چیزی را ابداع نکرده؛ بلکه توانسته‌اند از دیگران اقتباس کنند؛ کوچک‌ترین جزئیات را از یاد نبرند و دستاوردهای خود را در مجموعه‌ای چنان به هم پیوسته بیامیزند که گویی خودشان مبتکر آن بوده‌اند، به طوری که اگر تجزیه و تحلیل خلاف آن را ثابت نمی‌کرد، می‌شد درباره اصلت آن سوگند خورد (ص ۱۶۱)؛ اما طرح فرشینه‌های گوبلن^{۳۰} فرانسوی را تقلیدی از نقاشی‌های چهل‌ستون می‌داند: بیشترشان صحنه‌های جنگ را مجسم کرده‌اند. از لحاظ رنگ‌آمیزی دارای زیبایی بی‌چون و چرایی هستند. از نظر طرح و ترتیب پیکرها تقریباً مکمل سبک فرشینه‌های قدیمی است یا درست‌تر بگویم فرشینه‌های گوبلن ما از آن‌ها تقلید شده است که من ریشه آن‌ها را در اوایل عهد ساسانیان می‌دانم (ص ۱۶۱). گوینو به شرح جزئیات بنای برج کبوترخانه اصفهان پرداخته است، آن‌ها را کم‌وبیش به اندازه برج بزرگ یک قلعه می‌سازند. قسمت تحتانی آن دارای خطوط پیچ‌درپیچ تزئینی است که یک کار زرگری واقعی به‌شمار می‌رود که خشت و گلی است. روی آن چینه‌های آجری قرار دارد که بنا بر سلیقه صاحبانش با بوالهوسی ترتیب یافته است و در قسمت فوقانی آن هر می دارد با سوراخ‌های متعدد، قرینه همدیگر که لانه کبوتران است (ص ۱۴۹ - ۱۵۰).

۷-۵-۴. معماری بناهای خاص

گوینو به معماری مساجد و امامزاده‌ها، مدارس، کاروانسراها و کاخ‌ها و عمارت‌های اشرافی توجه خاصی دارد. معماری مسجد شاه اصفهان عظیم و باشکوه است. گنبد کاشی‌کاری آبی آن نقش‌های اسلیمی زرد زیبای کم نظیری دارد (ص ۱۶۰). گنبد کاشی‌کاری وجه اشتراک بسیاری از اماکن مذهبی ایرانی است. امامزاده شورجه هم گنبد کاشی سبز و دیوارهای گلی زرد دارد که طبق معمول درون آن با بشقاب‌های رنگی تزئین شده است (ص ۱۴۷). معماری مدرسه مادر شاه، چنان گوینو را شگفت‌زده کرده که ندانستن نام سازنده آن برای وی تأسف بار است: «طرح آن مرکب از برگ‌های درهم پیچیده و حروفی به سبک عربی است، به نحوی که انگیزه اصلی از تزئین را به‌خوبی بیان می‌کند. متأسفم که نام سازنده این شاهکار باذوق و بااستعداد را به‌خاطر ندارم» (ص ۱۵۷)^{۳۱}. در توصیف کاروانسرای می‌نویسد: در مهیار یک کاروانسرای قدیمی را دیدم که ابعاد باشکوهی داشت. در وسط یک حیاط بزرگ صفحه چهارگوشی است و چاروا دارها در آن اتراق می‌کنند. معمولاً این صفاها خشتی و آجری است؛ ولی در مهیار از سنگ خارا بود (ص ۱۵۱).

گوینو تفاوت‌های میان سبک معماری بناهای مختلف ایرانی را دریافته است. کاخ‌ها و عمارت‌های اشرافی همواره از نظر وی تفاوت‌های مشهودی با سایر بناهای سنتی داشته است. به‌ویژه وی بناهای جدیدتر را متأثر از معماری اروپایی می‌داند. اقامتگاه نماینده انگلستان، معاون، پزشک، وابستگان، سپاهیان و افسران وی که یک شهرک را تشکیل می‌داده، نسبت به سایر بناها دارای وضعیت مطلوب‌تری است، در سراسر شهر، حتی با احتساب اقامتگاه حاکم - که بیش از سایر ابنیه ارزش نداشت - تنها محلی که دارای وضعی آبرومند بود، اقامتگاه نماینده مقیم انگلستان بود (ص ۹۸). حتی امکانات و معماری آن به شیوه اروپایی بود: برای نماینده مقیم، یک خانه زیبای یک طبقه به سبک اروپایی بنا شده که جلوی آن ایوانی با ستون‌های زیبا بود. یک خانه ظریف دیگر برای معاونش و اقامتگاهی برای پزشک و سایر وابستگان، دو حیاط خلوت، یک محوطه وسیع که دورتادور آن را ساختمان‌های خدمه و طویله فرا گرفته بود و مکانی

برای اقامت سپاهی‌ها و افسران‌شان مجموع این شهرک را تشکیل می‌داد (ص ۹۸). معماری تالارها در تهران تلفیقی از سبک اروپایی و ایرانی است.

در طبقه همکف عمارت اصلی، تالاری واقع شده که سه پنجره به سبک اروپایی رو به حیاط دارد و در دو سوی آن کلاه فرنگی دارد که تاقچه‌های آن با مقرنس تزئین کاری‌های باب سلیقه ایرانی تزئین شده است (ص ۱۹۷).

کاربرد سبک معماری اصیل ایرانی در بنای کاخ‌ها تحسین‌گوینو را بر می‌انگیزد. به‌نظر وی بنای کاخ شیراز با آنچه تا آن موقع در ایران دیده، متفاوت است. در وسط باغ در آب‌نمائی که کف آن با کاشی فرش شده بود، نهر عریضی جاری بود و در دو سوی آن دو باغچه گلکاری و دو جاده اصلی قرار داشت که جاده‌های فرعی باریک‌تر آن را قطع می‌کردند. این منظره به صحنه تئاتر بزرگی شباهت داشت. درون تالار بزرگ کاخ را حوض مرمرینی تزئین می‌داد. دیوارها پوشیده از نقاشی‌های بزرگ شامل تصاویر تمام‌قد شاهزادگان فتحعلی‌شاه بود. در انتهای آن، عمارت اندرونی قرار داشت که مثل تالار بزرگ با نقاشی‌های دیواری تزئین شده بود. در سقف آن علائم ماه‌های دوازده‌گانه را کشیده بودند. این نوع معماری که سبک ایرانی است، اصولاً بسیار شاد و مناسب آب‌وهوای کشور است (ص ۱۲۹).

تجهیزات بناها نیز از نظر گوینو دور نبوده است. از آن جمله، اشاره به سیستم خنک‌کننده در مناطق جنوب ایران که مشابه آن در تاریخ بیهقی با عنوان «خیش‌خانه» یاد شده است و حتی امروزه در منطقه سیستان هم چنین سیستمی با نام «خارخانه» وجود دارد.

سه اتاق تاریک داشت که در ورودی آن با برگ‌های وتیوه^{۳۲} مسدود می‌شد که می‌بایست هر لحظه رویشان آب بپاشند. با این کار هوای درون اتاق‌ها قدری خنک می‌شد (ص ۱۰۶).

این توصیف مربوط به اقامتگاه تابستانی انگلیسی‌هاست که در مسیر بوشهر به شیراز قرار داشت. وی مشابه این مورد را در برازجان هم دیده و به آن اشاره کرده است. علاوه بر چادرها، اقامتگاهی کاملاً راحت برایمان درست کرده بودند و آن کلبه‌ای بود که با خار تعبیه شده بود که به آن خارشتر می‌گویند. مرتب روی کلبه آب می‌پاشیدند و درون آن خنکای مطبوعی داشت (ص ۱۰۹). در مجموع، معماری ایرانی آنچنان توجه

گوینو را جلب کرده که وی آن را شاهکاری می‌داند که اگر کسی مطالعه در این رشته را ادامه بدهد، احتمالاً می‌تواند به اسرار ریشه‌های هنر بیزانس و عرب نیز پی ببرد. این اظهارنظر کاملاً در تضاد با گفته پیشین وی در ارتباط با تقلید معماری ایرانی از اروپایی است. در جایی دیگر ایران را مانند کوره‌ای می‌داند که افکار و اختراعات کشورهای دور و نزدیک را می‌گیرد و درهم می‌آمیزد و از مجموع آن‌ها شاهکارهایی به‌وجود می‌آورد (ص ۱۶۱).

۷-۵-۵. تفکرات خرافی

گوینو به خرافات و موهومات رایج بین مردم ایران توجه کرده است. اشاره به فریبکاری راهزنان بختیاری و زودباوری اهالی روستا، از جمله این موارد است. (راهزنان) اگر قند و لاجورد به دستشان بیفتد به کنار نه‌ری می‌برند و یکی از بین خودشان را به ده بعدی می‌فرستند که روستاییان را جمع کند و بگوید، در نتیجه لطف و کرم فلان‌خان بختیاری، خواهید دید که به‌زودی در این جوی رنگ آبی و شربت جاری خواهد شد. این‌ها مال شماس است. دلاوری و بزرگواری این مردان را ستایش کنید (ص ۱۱۷). نمونه دیگر مربوط به اعتقاد خادم امامزاده روستای «سوه» درباره ماهی‌های امامزاده است. «این ماهی‌های اهلی و خوش خلق متعلق به حضرت هستند و هرگز کسی به آن‌ها دست نمی‌زند» (ص ۱۷۴).

وی اعتقادات برخی از فرق صوفیه ایران را خرافات می‌داند که ریشه‌یابی آن‌ها بسیار دشوار و در مواردی ناممکن است: گروه مهمی از صوفیان خدایی را می‌شناسند که به امور دنیوی کاری ندارد؛ ولی به وجود اجنه خوب و بد، جادوگران، رمالان و استحاله فلزات و تبدیل مس به طلا اعتقاد دارند. بسیاری از ایرانیان پیرو این عقاید هستند و همیشه عده‌ای دوروبرشان را گرفته‌اند (ص ۲۳۴). گوینو در فصلی مفصل به معرفی انواع فرق مذهبی و صوفیانه در ایران و رسوم و باورهای آن‌ها می‌پردازد و برخی از آن‌ها را فانتزی و خرافه می‌داند؛ ازجمله مراسم قربانی در بین فرقه اهل حق که گوشت قربانی را باید به سایر اعضای اهل حق بدهند و اگر از ایشان کسی نبود به علی‌اللهی‌ها می‌دهند و اگر آن‌ها هم نبودند باید به سگ و گربه بدهند؛ اما حق ندارند از

گوشت قربانی به مسلمانان چیزی بدهند؛ زیرا اگرچه این حیوانات از نظر جسمانی پاک نیستند؛ اما خلاف مسلمانان نسبت به اعضای فرقه دشمنی و بدخواهی ندارند (ص ۲۵۵). در دهان گذاشتن زغال گداخته، خوابیدن روی آتش، داخل تنور شدن و افکندن زنان و کودکان از فراز صخره بلند بدون آنکه کوچکترین آسیبی ببینند، از دیگر کارهای شگفتی است که وی در توصیف این فرق به آن‌ها اشاره می‌کند^{۳۳}. وی می‌نویسد: نه تنها اهل حق این حکایت‌ها را با ایمان عمیق برایم نقل کرده‌اند؛ بلکه مسلمانان نیز ادعا می‌کنند شاهد چنین وقایعی بوده‌اند. با این همه، در میان مؤمنان اشخاص دیرباوری وجود دارند و شنیده‌ام که بعضی از مؤمنان اهل حق این‌گونه اعمال و معجزات را «شارلاتان‌بازی» نامیده‌اند (ص ۲۶۱).

۸. نتیجه

سفرنامه‌ها به دلیل محتوای اجتماعی و فرهنگی خود دارای اهمیت بسیاری هستند. حاصل این پژوهش نشان می‌دهد که گوینو درک بالایی از جامعه ایران در دوره قاجار داشته است. وی در گزارش خود از سفر به ایران با دقت چشم‌اندازهای متنوعی از آداب و رسوم و جنبه‌های مختلف فرهنگ ایرانی را بررسی و تأمل کرده است. گوینو از میان جلوه‌های فرهنگ عامه به موضوعاتی چون سبک معماری و بناها، آداب مهمان-نوازی و تعارفات، هنرها، آداب پوشش بیشتر توجه کرده است. در کنار این موارد، گوینو به موضوعاتی چون تفکرات عامیانه و باورهای خرافی نیز اشاره کرده است. تأکید گوینو بر موارد ویژه‌ای از نحوه زندگی ایرانیان و بر بخش‌های خاصی از واقعیت‌های پیرامون وی نشان‌دهنده جهت‌گیری‌های فکری و نوع علائق وی در برخورد با فرهنگ ایرانی است. با تأمل در گزارش وی به آسانی در می‌یابیم که آنچه در روایت او منعکس می‌شود، حاصل گزارش سیاح از آنچه می‌بیند، در کنار تأثیری است که در نتیجه ذهنیت اروپایی وی در برخورد با فرهنگ غیراروپایی ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر، تقابل میان «من» اروپایی و «دیگری» شرقی زیربنای تفکرات و توصیفات وی از وجوه مختلف زندگی و آداب و رسوم ایرانیان است. به همین دلیل، گوینو در جای‌جای سفرنامه خود با دقت، ویژگی‌ها و زوایای زندگی ایرانیان را با زندگی

اروپایی‌ها مقایسه و به تفاوت‌های میان آن‌ها اشاره می‌کند، مقایسه‌ای که در بیشتر موارد با برتری نمونه اروپایی خاتمه می‌یابد. بررسی صورت گرفته نشان می‌دهد که گوینو در اشارات تصریحی و ضمنی خود، جلوه‌های مختلف فرهنگ ایرانی را در ذیل دو دسته عناصر فرهنگی مثبت و عناصر فرهنگی منفی تقسیم‌بندی کرده است. وی در قضاوت-هایی شخصی بسیاری از آداب مهمان‌نوازی ایرانیان را جزو محسنات فرهنگی ایرانیان محسوب کرده است. این در حالی است که مثلاً از آن رو که خصیصه تعارفات برای اروپاییان ناشناخته و در بسیاری موارد گمراه‌کننده است، در شمار معایب فرهنگی قلمداد می‌شود یا معماری روستایی ایرانیان هم در گزارش گوینو با دو چهره کاملاً متفاوت توصیف شده است. این نگاه دوگانه همان‌طور که اشاره شد در بیشتر توصیفات گوینو از عناصر فرهنگی ایرانی مشاهده می‌شود. همچنین، گاهی در گزارش‌های وی تناقض‌گویی‌هایی مشاهده می‌شود. وی در مواردی یک خصیصه فرهنگی را با مطلق‌گویی به همه ایرانیان تعمیم می‌دهد که این موارد با توجه به اهداف سیاسی گوینو در مقام یک سفیر اعزام‌شده قابل تأمل است.

پی‌نوشت‌ها

1. Josef Arthur de Gobineau
2. Bordeaux
3. Tocqueville

۴. ن.ک به بزرگمهری، ۱۳۸۳: ۱۰۵.

5. *Les Religions et les philosophies dans l'Asie centrale*
6. *Essai sur l'inégalité des races humaines*
7. *Histoire des Perses*
8. *Trois ans en Asie*
9. *Voyage à Terre-Neuve*
10. *Adélaïde*
11. *Nouvelles asiatiques*
12. *Souvenirs de voyage*
13. *Le prisonnier chanceux*
14. *Ce qui est arrivé à la France en 1870*
15. *La Troisième République française et ce qu'elle vaut*
16. Lord Curzon
17. Alexis de Tocqueville

۱۸. ن.ک به اشراقی و نظام‌مافی، ۱۳۵۲.

19. Ethnocentrism

- 20. Fynones Morys
- 21. Phantasm-words
- 22. Folklore

۲۳. ن.ک. به گوینو، ۱۳۸۳: ۱۹۶ - ۱۹۷.

24. Auvergne

- ۲۵. عرقچین نوعی کلاه است از جنس نخ یا ابریشم که به آن «توبی» هم می‌گویند و زیر دستار پوشیده می‌شود و از سنت‌های قدیمی و اسلامی برای پوشاندن سر است.
- ۲۶. چاپ گراور سیستمی است که بر اساس انتقال جوهر مخزن جوهر به کاغذ شکل می‌گیرد.
- ۲۷. قالبی است که برای تولید طرح‌های رنگی و نقوش روی پارچه استفاده می‌شده است.

28. Maine

- ۲۹. «عالی‌قاپو یک کلاه فرنگی با ابعاد بزرگ است که می‌توانست درباریان، افسران ارشد، روحانیون بزرگ، سفرای بیگانه و رؤسای عشایر را در خود جای دهد» (ص ۱۶۰).
- ۳۰. ژان گوبلن تاجر و صنعتگر فرانسوی در قرن پانزدهم با راه‌اندازی کارگاه‌های رنگرزی به شهرت رسید. وی برای اولین بار اقدام به دایر کردن کارگاه گوبلن‌بافی کرد. در دوره هنری دوم، گوبلن‌بافی رو به افول گذاشت و در دوره هنری چهارم دوباره افرادی جدیدی در حرفه رنگرزی و بافندگی به این کار مشغول شدند.
- ۳۱. در توصیف مدرسه کاشان می‌نویسد: امتیاز مدرسه این است که به تازگی بنا شده است و معماری خوب و عجیبی دارد (ص ۱۸۹).
- ۳۲. نوعی گیاه هندوستان و مناطق حاره که ریشه آن معطر است و برای حفظ پوست و لباس پشمی از آفت حشرات به کار می‌رود (ص ۱۰۶).
- ۳۳. ن.ک. به گوینو، ۱۳۸۳: ۲۵۸ - ۲۶۰.

منابع

- اشراقی، احسان و منصوره نظام‌مافی (۱۳۵۲). «خطاهای کنت‌دو گوینو». نگین. ش ۱۰۴. صص ۳۳ - ۳۸.
- بزرگمهری، مجید (۱۳۸۳). «گوینو و ایران». تاریخ روابط خارجی. ش ۲۰. صص ۱۰۳ - ۱۱۸.
- جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۹۱). «ایرانی‌ای که بود، ایرانی‌ای که هست: درآمدی بر نگاه گوینو به ایرانیان و زمینه‌های شکل‌گیری آن». جستارهایی در جامعه‌شناسی تاریخی. س ۱. ش ۲. صص ۴۹ - ۷۳.
- جوانبخت، مهرداد (۱۳۷۹). ایرانی از نگاه انیرانی: خلق و خوی ایرانیان از نگاه سیاحان. اصفهان: آموزه.

- سبزیان، سعید و میرجلال‌الدین کزازی (۱۳۸۸). فرهنگ نظریه و نقد ادبی. تهران: مروارید.
- سپهری، سپیده (۱۳۹۳). «بررسی مقایسه‌ای بازتاب فرهنگ و رسوم ایرانیان عهد صفوی در سفرنامه‌های شاردن و تاورنیه». تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی. ش ۲۲. صص ۱۶۱ - ۱۹۰.
- شاه‌محمدی، خدیجه و همکاران (۱۳۹۵). «فرهنگ عامه ایرانی در سفرنامه ابن بطوطه». فرهنگ و ادبیات عامه. س ۴. ش ۱۱. صص ۱۵۳ - ۱۷۳.
- شبیانی، ژان (۱۳۵۳). «داستان‌های آسیایی و نقد ادبی». دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. س ۲۱. ش ۴. صص ۳۳ - ۴۴.
- علوی‌زاده، فرزانه سادات (۱۳۹۳). «تصویر ایران و ایرانی در سفرنامه ژان شاردن، تأملی در انگاره‌آفرینی و کلیشه‌ها در ذهنیت سفرنامه‌نویس». جستارهای ادبی. س ۴۶. ش ۴. صص ۱۴۷ - ۱۷۰.
- فارسیان، محمدرضا و سمیه خبیر (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی زن‌مدارانه قصه‌های هزارویک‌شب و داستان‌های آسیایی گوینو». پژوهش‌های ادبیات معاصر جهان. ش ۲. صص ۴۸۵ - ۵۰۸.
- فهیم کلام، محبوبه و همکاران (۱۳۹۲). «تطبیق نگاه موریه و گوینو به ادبیات و هنر در ایران». مطالعات تطبیقی. س ۷. ش ۲۵. صص ۱۳۹ - ۱۵۹.
- کریمی، علی (۱۳۸۶). «بازتاب هویت فرهنگی ایرانیان در سفرنامه‌های عصر صفوی و قاجاری». مطالعات ملی. س ۸. ش ۱. صص ۳۱ - ۶۲.
- کمالی، حسین (۱۳۷۶). «ایران در مکاتبات گوینو با توکویل». ایران‌شناسی. س ۹. ش ۳. صص ۴۹۴ - ۵۱۴.
- گری، مارتین (۱۳۸۲). فرهنگ اصطلاحات ادبی در زبان انگلیسی. ترجمه منصوره شریف‌زاده. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گوینو، کنت ژوزف آرتور (۱۳۵۳). نامه‌های کنت دو گوینو و آلکسی دو توکویل. ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای. تهران: ابن‌سینا.
- گوینو، ژوزف آرتور (۱۳۸۳). سه سال در آسیا. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: قطره.
- _____ (بی‌تا). مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی. ترجمه همایون فره‌وشی. بی‌جا: بی‌نا.

- مجتهدی، کریم (۱۳۸۱). «فلسفه‌های ایرانی - اسلامی به روایت کنت دو گوینو». تاریخ معاصر ایران. س ۶. ش ۲۳.
- مزیدی، ناهید (۱۳۹۲). بررسی آرای کنت ژوزف آرتور دوگوینو درباره ایران با توجه به آثارش و نقش سیاسی وی به‌عنوان سفیر فرانسه در ایران عصر ناصرالدین شاه قاجار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایران‌شناسی. دانشگاه شهید بهشتی.
- مصلح، علی‌اصغر (۱۳۸۱). «گوینو و کربن در ایران». فرهنگ. ش ۴۱ و ۴۲. صص ۳۹ - ۶۴.
- موسوی دالینی، جواد و همکاران (۱۳۹۵). «تحلیلی بر مردم‌نگاری جامعه ایرانی عصر صفوی به روایت سیاحان فرنگی». مطالعات تاریخ فرهنگی. س ۷. ش ۲۸. صص ۱۲۳ - ۱۵۲.
- مهاجر، مهران و محمد نبوی (۱۳۸۸). وازگان ادبیات و گفتمان ادبی. تهران: آگه.
- ناطق، ناصح (۱۳۶۴). «ایران از نگاه گوینو». نامه فرهنگ. ش ۳۵. صص ۱۹۸ - ۲۰۷.
- نانکت، لاتیشیا (۱۳۹۰). «تصویرشناسی به منزله خوانش متون نثر معاصر فرانسه و فارسی». ترجمه مزده دقیقی. ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی نامه فرهنگستان. د ۲. ش ۱. صص ۱۰۰ - ۱۱۵.
- Bassnett, S. (1993). *Comparative Literature: A Critical Introduction*. Oxford: Blackwell.
- Bronner, S. J. (2007). *Meaning of Folklore. Analytical Essays of Alan Dundes*. Logan. Utah: Utah State University Press.
- ICOMOS (1999). "Charter on the Built Vernacular Heritage". Ratified by the ICOMOS 12th General Assembly. Mexico.
- Nas, Peter J. M. (2002). "Masterpieces of Oral and Intangible Culture: Reflections on the UNESCO World Heritage List". *Current Anthropology*. Vol. 43. No. 1. pp. 139-148.

Aspects of folk culture in “*Three Years in Asia*”: A travel book by Joseph Arthur Gobino

Farzāneh Sadāt Alavi Zādeh¹ * . Omid Vahdāni Far²

1. Professor of Persian Language and Literature- Bojnourd University- Iran.
2. Professor of Persian Language and Literature- Bojnourd University- Iran.

Received: 28/05/2019

Received: 14/09/2019

Abstract

The purpose of this study is to examine the effects of folk culture in Joseph Arthur Gobino's travel book entitled “*Three Years in Asia*” , based on the content analysis method in which he tries to divide these effect in six categories of hospitality, compliments, customs and types, Iranian art, architectural and urban features and the story of his trip to Iran. Superstitious thoughts were also studied and analyzed. The result of this study shows that although in his account of his trip to Iran Gobino was able to provide a detailed account of Iran's morality and behavior patterns, it would be impossible not to ignore the contrast between the European “I ” and the oriental “*other*” that underlies his thoughts and descriptions of different aspects of Iranian life and customs. Conflicts that have a direct impact on the spectator's mind with the other and with what belongs to his territory, followed by his reports and descriptions.

Keywords: popular culture, travel narrative, Gobino, three years in Asia, Qajār era.

*Corresponding Author's E-mail: f.alavizadeh@gmail.com